

مقاله پژوهشی

مناسبات ترکیه و رژیم صهیونیستی در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهرانه ساداتی^۱*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲

چکیده: مناسبات امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی، همواره دارای تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر امنیت منطقه‌ای غرب آسیا به ویژه ایران داشته‌است. ترکیه از یک سو، به عنوان متحد منطقه‌ای آمریکا و از سوی دیگر، به عنوان اولین کشور مسلمان در سال ۱۹۴۹ موجودیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و به دنبال آن، دو دولت به واسطه قراردادهای دوجانبه، روابط خود را تعمیق بخشیدند. در این راستا، سوال پژوهش حاضر این است که مناسبات ترکیه و رژیم صهیونیستی در مجموعه امنیتی غرب آسیا چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ این پژوهش با استفاده از روش کیفی تحلیل اسنادی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌شود. فرضیه این مقاله آن است که تعامل امنیتی ترکیه و اسرائیل، به‌رغم نوسانات سیاسی، در برخی بحران‌های منطقه‌ای به افزایش تهدیدات غیرمستقیم علیه امنیت ملی ایران منجر شده است. بدین ترتیب، این پژوهش با اتکا به نظریه مجموعه امنیتی بوزان و تعریف موسع وی از امنیت نشان می‌دهد که ترکیه و اسرائیل به عنوان متحدین منطقه‌ای آمریکا در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا، در حوزه‌های مختلف امنیتی به ویژه در حوزه نظامی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی همواره همکاری‌های استراتژیک داشته‌اند. این درحالیست که در بعد امنیت سیاسی در مقاطع مختلف کم و بیش درگیر اختلافاتی غالباً لفظی می‌شدند. فلذا، این دو کشور در ابعاد پنجگانه امنیتی به یکدیگر وابستگی داشته و لزوماً چالش در یک بعد امنیتی، به معنای نداشتن روابط امنیتی با یکدیگر نیست. به علاوه، میتوان هدف مشترک دو کشور در مجموعه امنیتی غرب آسیا را می‌توان تضعیف ایران و نابودی محور مقاومت اسلامی و به هم خوردن توازن قوا دانست.

واژگان اصلی: ترکیه، رژیم صهیونیستی، مجموعه امنیتی غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران.

^۱ . دانش آموخته دکتری علوم سیاسی گرایش بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، **دانشگاه شاهد**، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mehraneh.sadati9@gmail.com

مقدمه

تحولات منطقه غرب آسیا همواره تحت تاثیر تعاملات پیچیده و پویای بازیگران مختلف می‌باشد. در این راستا، روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی به عنوان دو بازیگر مهم در منطقه، از مناسباتی است که علاوه بر تاثیرات دوجانبه، می‌تواند تاثیرات امنیتی در ابعاد مختلف بر کشورهای غرب آسیا از جمله ایران داشته باشد. پایان جنگ سرد، سبب ایجاد تغییراتی در روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی شد که می‌توانست بر خاورمیانه تاثیرگذار باشد. استدلال مقامات ترکیه این بود که حفظ روابط عادی با اسرائیل نباید برای اعرابی که به تدریج با دولت یهود کنار خواهند آمد، غافلگیرکننده باشد. علاوه بر این، ترکیه بلافاصله کشور فلسطین را که توسط مجلس ملی فلسطین در نوامبر ۱۹۸۸ اعلام شده بود، به رسمیت شناخت. این به رسمیت شناختن با موضع ترکیه که سازمان آزادی‌بخش فلسطین تنها نماینده مردم فلسطین بوده و بهترین راه برای حل مناقشه خاورمیانه پذیرش قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد است، مطابقت داشت. اگرچه این ژست طرفداری از دولت فلسطین، سبب نشد دولت ترکیه به روابط خود با رژیم صهیونیستی آسیب بزند. دوران طلایی روابط ترکیه و این رژیم در دهه ۹۰ میلادی رقم خورد که طی آن، یک قرارداد تجاری دوجانبه بین ترکیه و اسرائیل در مارس ۱۹۹۳ امضا شد. این درحالی است که روابط این دو بازیگر در دهه‌های اخیر فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده‌است. در این راستا، پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که مناسبات امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ این پژوهش با استفاده از روش کیفی تحلیل اسنادی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌شود. فرضیه این مقاله آن است که تعامل امنیتی ترکیه و اسرائیل، به‌رغم نوسانات سیاسی، در برخی بحران‌های منطقه‌ای به افزایش تهدیدات غیرمستقیم علیه امنیت ملی ایران منجر شده‌است. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با اتکا بر نظریه مجموعه امنیتی بوزان و تعریف موسع وی از امنیت نشان می‌دهد که ترکیه و رژیم صهیونیستی به عنوان متحدین منطقه‌ای آمریکا در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا، در حوزه‌های مختلف امنیتی به‌ویژه در حوزه نظامی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی همواره همکاری‌های استراتژیک داشته درحالی که در بعد امنیت سیاسی در مقاطع مختلف کم و بیش درگیر اختلافاتی غالباً لفظی می‌شوند. فلذا، بنا بر نظریه بوزان، این دو کشور در ابعاد پنجگانه امنیتی به یکدیگر وابستگی داشته و لزوماً چالش در یک بعد امنیتی، به معنای نداشتن روابط امنیتی با یکدیگر نیست. به‌علاوه، روابط امنیتی ترکیه و

رژیم صهیونیستی می‌تواند بر جهان اسلام و به ویژه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات مهمی داشته‌باشد به طوری که میتوان هدف مشترک دو کشور را تضعیف ایران و نابودی محور مقاومت اسلامی و به هم خوردن توازن قوا در مجموعه امنیتی غرب آسیا دانست. پژوهش حاضر ضمن بررسی مناسبات امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی در ابعاد پنج‌گانه امنیتی، به تأثیر این مناسبات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌پردازد.

۱- پیشینه پژوهش

باری بوزان (۱۳۸۹) در کتاب «مردم، دولتها و هراس»، به ارائه چارچوبی نظری برای تحلیل امنیت در روابط بین‌الملل پرداخت. از نظر وی، امنیت نباید صرفاً به عنوان یک مفهوم نظامی تعریف شود، بلکه باید به عنوان یک پدیده چندبعدی تلقی شود که شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز می‌شود. او مفهوم امنیت جامع را مطرح می‌کند که در آن امنیت فرد، جامعه و دولت به هم پیوسته هستند. اولوسوی (۲۰۲۰) در مقاله «ترکیه و اسرائیل: تغییر الگوهای اتحاد در مدیترانه شرقی» به بررسی تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در چارچوب تغییر الگوهای اتحادها در شرق مدیترانه می‌پردازد. وی با نگاهی به زمینه تاریخی روابط ترکیه و اسرائیل، تغییرات روابط آنها بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، معتقد است که با وجود تنش‌ها، هر دو کشور به دلایل اقتصادی و امنیتی به دنبال بهبود روابط هستند. نویسندگان در این مقاله به تحلیل صرف الگوهای اتحاد پرداخته و به ابعاد پنج‌گانه امنیت از منظر بوزان، و همچنین بررسی پیامدهای این روابط بر امنیت ملی ایران نمی‌پردازد. سور و الموک (۲۰۱۹) در کتاب «روابط معاصر ترکیه-اسرائیل از منظر تطبیقی» با رویکردی تطبیقی، روابط اسرائیل و ترکیه را در چارچوب تحولات داخلی و منطقه‌ای تحلیل می‌کنند. نویسندگان تلاش می‌کنند تا نشان دهند چگونه تغییرات در سیاست داخلی هر دو کشور و همچنین تحولات ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و شرق مدیترانه، بر روابط دوجانبه تأثیر گذاشته‌است. آنها معتقدند اگرچه همکاری‌های اقتصادی و امنیتی می‌تواند به بهبود روابط کمک کند، اما مسائل سیاسی و رقابت‌های منطقه‌ای همچنان چالش‌های مهمی هستند. این کتاب به تبیین پیامدهای امنیتی این روابط بر ایران اشاره‌ای ندارد. گل محمدی (۱۳۹۸) در کتاب «ادراک رهبران و تحولات سیاست خارجی ترکیه ۲۰۰۲-۲۰۱۸» به تبیین فهم نظام‌مند سازوکارهای تغییر در سیاست خارجی ۱۶ سال اخیر ترکیه می‌پردازد که در آن متغیر ادراک رهبران از تحولات محیطی و داخلی تعیین‌کننده است. این کتاب رویکردی امنیت‌محور در قالب نظریه بوزان نداشته و روابط ترکیه و

اسرائیل را به صورت دوسویه و در بستر منطقه‌ای بررسی نمی‌کند. بزرگمهری (۱۳۹۹) در مقاله « روابط ترکیه و اسرائیل در دو دهه اخیر ۲۰۱۹-۲۰۰۰، همگرایی یا واگرایی» معتقد است در شرایط فعلی ترکیه و اسرائیل سیاست اتحاد و همکاری خود را ادامه می‌دهند هرچند که این اتحاد از انسجام کافی برخوردار نیست و هر دو طرف از اهرم فشار برای اجبار به همسویی طرف مقابل در شرایط خاص استفاده می‌کنند. این مقاله نیز به ابعاد مختلف امنیتی روابط دو کشور به صورت نظام‌مند و همچنین تأثیر آن بر ایران اشاره ندارد. بدین ترتیب، مطالعه آثار مختلف پژوهشگران داخلی و خارجی نشان می‌دهد که تحقیقی درخصوص مناسبات ترکیه و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران ذیل نظریه باری بوزان انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر در دو بعد نظری (کاربست نظریه بوزان) و کاربردی (تحلیل تأثیرات امنیتی بر ایران) دارای نوآوری محسوب می‌شود.

۲- چهارچوب نظری

جهت بررسی و درک بهتر وضعیت مناسبات امنیتی ترکیه و اسرائیل در خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، می‌توان از نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای باری بوزان استفاده کرد. بوزان فارغ از طبقه بندی سنتی مطالعات استراتژیک، بر دو مساله هدف امنیت و شرایط لازم برای امنیت تمرکز دارد. وی درصدد بازسازی مفهوم امنیت و ارائه تعریفی موسع از آن است. در این راستا، بوزان امنیت را به پنج دسته تقسیم بندی می‌کند: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. در امنیت نظامی، به بررسی اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و تدافعی مسلحانه دولتها و درک آنها از اهداف و مقاصد یکدیگر می پردازد. امنیت سیاسی، به ثبات سازمانی دولتها، سیستم های حکومتی و ایدئولوژی های مشروعیت زا مربوط است. امنیت اقتصادی ناظر به منابع، مسائل مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح مناسبی از رفاه و قدرت دولت می اشد. امنیت اجتماعی به مباحث مربوط به توانایی حفظ الگوهای سنتی زبان، هویت، فرهنگ، مذهب و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول اشاره دارد. تلاش برای تضعیف یا تغییر هویت ملی، رسانه سازی هویت زدا و قطب بندی فرقه ای از جمله مصادیق آن است. همچنین در امنیت زیست محیطی، تاکید بر حفظ محیط محلی جهانی است که حیات بشری به آن وابسته است (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵-۴۱).

به علاوه، بوزان وجود وابستگی متقابل امنیتی بین همه دولت ها را مانع از مطالعه واقع گرایانه امنیت دانسته و در پی یافتن سلسله مراتبی از سطوح تحلیل در درون سیستم بین المللی است. مجموعه مهمی از کارکرد امنیت را می توان در سطح منطقه ای دانست. منطقه از نظر امنیت، به شبه سیستم

مشخصی از روابط امنیتی بین مجموعه ای از دولت‌ها گفته می‌شود که از لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک هستند (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۱۲-۲۱۳). در سطح منطقه ای امنیت بر ملی و امنیت جهانی بر هم تاثیر گذاشته و مجموعه وابستگی‌های متقابل امنیتی نزدیک بهم در سطح منطقه ای شکل میگیرد (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ۵۴). در واقع، بوزان و ویور مجموعه امنیتی منطقه ای را این گونه تعریف کرده اند: «مجموعه ای از واحدها که در آنها فرآیندهای عمده امنیتی کردن یا غیرامنیتی کردن یا هر دوی آنها، آن اندازه در هم تنیده شده اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود» (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ۵۵). مجموعه امنیتی منطقه ای، جهت تحلیل امنیتی، رویکردی سیستمی دارد که لازمه چنین رویکردی را می‌توان در توجه به سطح کلان تاثیر قدرت بر سیستم، سطح متوسط روابط دول محلی و سطح خرد امور داخلی دانست (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۴۹).

در نظریه بوزان، از ایده ساختار بنیادین می‌توان به عنوان معیاری جهت سنجش اهمیت تغییر در مجموعه امنیتی منطقه ای استفاده کرد. در واقع، عناصر اساسی در ساختار بنیادین مجموعه امنیتی منطقه ای عبارتند از: نخست، مرز که سبب جدایی مجموعه امنیتی منطقه ای از هم میشود؛ دوم، ساختار آنارشیک است که لازمه آن وجود دو یا چند واحد خودمختار می‌باشد؛ قطبش، به عنوان سومین عنصر، پوشش دهنده توزیع قدرت بین واحدها است؛ و آخرین عنصر، ساخت اجتماعی است که الگوهای دوستی و دشمنی بین واحدها را شامل می‌شود» (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ۶۴).

مجموعه های امنیتی را الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. شکل گیری مجموعه امنیتی منطقه ای را می‌توان از یک سو، ناشی از تعامل بین ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای موازنه قدرت و از سوی دیگر، ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی دانست. نزدیکی جغرافیایی سبب افزایش تعاملات امنیتی بین همسایگان نسبت به دول دور از یکدیگر می‌شود. آنارشی نیز به الگویی از خوشه های (مجموعه های) منطقه ای منجر می‌شود که در آن وابستگی متقابل امنیتی بین دولت های داخل مجموعه بیشتر از وابستگی متقابل امنیتی بین دول داخل مجموعه و دولت های خارج از آن است. گرایش به منطقه ای بودن وابستگی متقابل امنیتی به طور قابل ملاحظه ای تحت تاثیر قدرت واحدهای مورد نظر است. مساله ای که سبب پیوند الگوی فراگیر توزیع قدرت بین قدرت های جهانی و پوشش های منطقه ای مجموعه های امنیتی منطقه ای می‌شود، سازوکار نفوذ است. نفوذ در شرایطی است که قدرت های خارجی با دولت های درون مجموعه امنیتی منطقه ای وارد صف بندی امنیتی می‌شوند. در واقع، یک رقابت منطقه ای بومی، فرصت هایی جهت نفوذ

قدرت های بزرگ را ایجاد می کند. منطق موازنه قوا، رقبای محلی را به سمت کمک خارجی سوق می دهد و از این رو، سبب پیوند الگوهای محلی رقابت و الگوهای رقابت جهانی می شود. شکل استاندارد مجموعه امنیتی منطقه ای، شامل الگویی از رقابت، توازن قوا، ائتلاف بین قدرت های اصلی منطقه و تأثیرات نفوذ قدرت های خارجی می باشد. در واقع، الگوهای منازعه و درگیری (به استثنای وضعیت تک قطبی)، ناشی از عوامل بومی هر منطقه بوده و قدرت های خارجی عموماً نمی توانند منطقه را تعریف، غیرامنیتی و مجدداً سازماندهی کنند. بنابراین یکی از اهداف نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای را می توان مبارزه با تفکری دانست که بیش از حد به نقش قدرت های بزرگ تأکید داشته و بنا دارد در تحلیل امنیتی برای متغیرهای محلی وزنی مناسب قائل شود (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۸).

بدین ترتیب، با توجه به انطباق عناصر اساسی ساختار بنیادین مجموعه امنیتی منطقه ای بر منطقه غرب آسیا در چارچوب نظریه بوزان، می توان این منطقه را یک مجموعه امنیتی منطقه ای دانست. در این پژوهش، تعاملات امنیتی میان ترکیه و اسرائیل به عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در غرب آسیا، در پرتو نظریه بوزان تحلیل می شود. هدف، بررسی روابط این دو کشور در هر یک از حوزه های پنج گانه امنیتی و همچنین، پیامدهای این روابط بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می باشد. همچنین بر اساس الگوهای دوستی و دشمنی، این فرض بررسی می شود که ترکیه و اسرائیل در برخی بحران های منطقه ای دارای هم پوشانی موضعی هستند، اما این هم پوشانی لزوماً به همگرایی راهبردی پایدار نمی انجامد. تحلیل این تعاملات با شاخص های نظریه بوزان، می تواند ابعاد دقیق تری از تهدیدات یا فرصت های امنیتی برای ایران را روشن سازد.

۳- مناسبات امنیتی ترکیه و اسرائیل در مجموعه امنیتی غرب آسیا

در این بحث، به تشریح ابعاد پنج گانه امنیت در روابط ترکیه و اسرائیل در مجموعه امنیتی غرب آسیا می پردازد:

۳-۱- امنیت سیاسی

در چارچوب نظریه مجموعه های امنیتی منطقه ای بوزان، امنیت سیاسی به تهدید علیه مشروعیت، ثبات، ایدئولوژی و ساختارهای حاکمیتی دولت ها اشاره دارد. برخلاف امنیت نظامی که به بقای فیزیکی کشورها مربوط می شود، امنیت سیاسی بر تزلزل یا تضعیف جایگاه سیاسی دولت در سطح داخلی یا منطقه ای متمرکز است. در روابط ترکیه و اسرائیل، نشانه هایی از تعاملات و تضادهای

سیاسی وجود دارد که در سطح امنیت سیاسی قابل تحلیل است؛ به‌ویژه در قالب رقابت گفتمانی، مواجهه نمادین، و مشروعیت‌یابی در افکار عمومی جهان اسلام.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی، دیدارهایی در بالاترین سطح مقامات دو کشور انجام شد که طی آنها، قراردادهایی در حوزه‌های مختلف نظامی، فعالیت‌های آموزشی مشترک و تبادل اطلاعات به امضا رسید (Ulusoy, 2020: 418). با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه سیاست متفاوتی در قبال مسائل غرب آسیا اتخاذ کرد. دو رویداد مهمی که در مناسبات ترکیه و اسرائیل در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام اهمیت زیادی دارد را می‌توان بازدید اردوغان از موزه یادبود هولوکاست در می ۲۰۰۵ و اتهام اردوغان به اسرائیل در خصوص جنایت علیه بشریت در نشست داووس در سال ۲۰۰۹ دانست. در این دوره، ترکیه در عین داشتن روابط امنیتی با رژیم صهیونیستی، همواره از بعضی اقدامات اسرائیل در قبال فلسطین اشغالی انتقاد میکرد.

عبدالله گل، نخست‌وزیر موقت، از طریق رادیو، تسلیم خود را درباره بمب‌گذاری انتحاری در هنگام پرواز بر فراز اسرائیل در ژانویه ۲۰۰۳، در راه گفتگو با رهبران عرب در مورد عراق اعلام کرد. اردوغان حمایت خود را از اقدامات اخیر برای تجدید مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین ابراز کرد و پیشنهاد میزبانی این مذاکرات را داد. سیلوان شالومه، وزیر خارجه اسرائیل، هنگام بازدید از ترکیه در آوریل ۲۰۰۳ به مقامات ترکیه اطمینان داد که کشورش نیز با ایجاد یک دولت کردی در شمال عراق مخالف است. بعد از فروپاشی روند صلح و وقوع انتفاضه دوم، روابط ترکیه و اسرائیل تیره شد. درواقع، با تاثیر اسلام سیاسی و به قدرت رسیدن آن، سیاست ترکیه نسبت به فلسطین حساس‌تر شد. درحالی‌که احزاب دموکرات و وطن و حزب اقدام ملی، اسرائیل را به ارتکاب نسل‌کشی در جنین در سال ۲۰۰۲ متهم کردند، اردوغان بعد از به قدرت رسیدن، اسرائیل را به دلیل کشتار ۶۰ فلسطینی در غزه در سال ۲۰۰۴ به تروریسم دولتی متهم کرد. در سال ۲۰۰۵، نخست‌وزیر اردوغان طی اولین سفر رسمی خود به اسرائیل، اعلام کرد که از طرح خروج شارون از غزه حمایت می‌کند. در همان سال، اتحادیه ضد افترا مستقر در آمریکا به اردوغان جایزه‌ای را به نام دیپلمات‌های ترک که یهودیان را از نسل‌کشی در جریان هولوکاست نجات دادند، اعطا کرد. در این دوره، روزنامه‌های اسرائیلی از اردوغان و حزب وی، به عنوان سیمان اسلام و دموکراسی یاد می‌کردند. این نگرش اسرائیل در راستای سیاست آمریکا در قبال ترکیه بود، زیرا واشنگتن ترکیه را به عنوان الگوی کشورهای مسلمان خاورمیانه به عنوان بخشی از استراتژی خود در مبارزه با تروریسم تعریف

کرده بود (Ceylan, 2021: 11-22).

در سال ۲۰۰۶ اسرائیل پیروزی حماس در انتخابات فلسطین را رد کرد، به همین دلیل ترکیه خالد مشعل را به آنکارا دعوت کرد و پیروزی وی را به رسمیت شناخت. در واقع، دفاع اردوغان از حماس و دفاع از فلسطین بخشی از استراتژی بلندمدت حزب عدالت و توسعه برای نفوذ در خاورمیانه بود. در نشست داووس سال ۲۰۰۹، نیز اردوغان، اسرائیل و پرز را به جنایت علیه بشریت در جریان عملیات سرب گداخته در غزه محکوم کرد و در آن نشست قول داد هرگز در نشست داووس شرکت نخواهد کرد. این اقدام اردوغان، هم در تحکیم قدرت حزب عدالت و توسعه در سیاست داخلی ترکیه موثر بود و هم در حوزه سیاست خارجی، سبب شد تصویر ترکیه در اذهان مردم خاورمیانه در آستانه بیداری اسلامی تغییر کند. از یک سو، پس از جریانات مربوط به بحران ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰، تنش بین دو کشور بالا گرفت. از سوی دیگر، در جریان تحولات بیداری اسلامی، مواضع دو کشور در مقابل یکدیگر قرار گرفت. در این مقطع، چشم انداز ترکیه در منطقه که مبتنی بر ثابت اقتصادی بود، با دیدگاه اسرائیل که مبتنی بر چندپارگی و انزوا بود، در تضاد بود. در نهایت آمریکا به دلیل مداخله خود در تحولات بیداری اسلامی در لیبی و سوریه و تشدید مذاکرات ۵+۱ با تهران در مورد پرونده هسته‌ای، نیاز به همکاری با دو متحد منطقه‌ای خود داشت و به همین دلیل اسرائیل را وادار به عذرخواهی از ترکیه کرد. آمریکا انتظار داشت بهبود روابط ترکیه و اسرائیل نه تنها مقدمه‌ای برای از سرگیری مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطینی‌ها شود بلکه گامی مثبت در جهت همکاری در خصوص بحران سوریه نیز بشود (Ulusoy, 2020: 420-424).

اردوغان به دلیل مخالفت رسمی خود با الحاق قدس شرقی به اسرائیل و «خط قرمز» خواندن آن برای مسلمانان، پس از به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل توسط دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۷ (Presidential Documents, 7777)، ترکیه واکنش شدیدی نشان داد و سفیر خود را از تل آویو در سال ۲۰۱۸ خارج کرد. با این حال، در اواخر دسامبر ۲۰۲۰، اردوغان اعلام کرد که علاقه‌مند به بهبود روابط با اسرائیل است. در مقابل، تل آویو برای احیای روابط با آنکارا شرط گذاشت که طرف مقابل فعالان جنبش حماس را از خاک ترکیه اخراج و تماس با این جنبش را قطع کند (العالم، ۱۴۰۰). طبق گزارش روزنامه تایمز، مقامات ترکیه فعالیت‌های گروه حماس ساکن در ترکیه را محدود و سرکوب کرده و حتی یک مورد از اعضای حماس را اخراج کردند (القدس العربی، ۲۰۲۱). بنظر میرسد ترکیه به دلایلی مانند تقویت روابط یونان (به عنوان دشمن

ترکیه) با اسرائیل، امارات و سایر کشورهای عربی، خشم کشورهای ناتو به خاطر روابط با روسیه و... موقعیت مناسبی در سیاست خارجی خود ندارد، فلذا در پی برقراری ارتباطات سیاسی با اسرائیل است.

از سوی دیگر، در می سال ۲۰۲۱، اردوغان بار دیگر اسرائیل را یک کشور تروریستی خواند و مناسب‌ترین راهکار برای حل مشکل قدس در شرایط امروزی را اداره شهر قدس توسط یک کمیسیون متشکل از نمایندگان سه دین (اسلام، مسیحیت، یهودیت) دانست (آناتولی، ۲۰۲۱). همچنین، ترکیه حملات نظامی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را به ویژه در مقاطع بحرانی مانند بعد از جنگ ۷ اکتبر، محکوم کرده‌است. در مقابل، اسرائیل هرگونه انتقاد از اقدامات خود در فلسطین را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند و هرگونه مخالفت از سوی ترکیه را به عنوان دخالت در امور داخلی خود تلقی می‌کند. به عبارتی دیگر، محکوم کردن مداوم رژیم صهیونیستی توسط ترکیه، زمینه تیرگی روابط دیپلماتیک را فراهم می‌آورد. بعد از ۷ اکتبر، ترکیه با فراخواندن سفیر خود از اسرائیل (Palestine Chronicle, 3333)، ممانعت از همکاری اسرائیل با ناتو (Times of Israel, 4444)، پیوستن دولت ترکیه به شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۹ دسامبر ۲۰۲۳ (ICJ, 3333)، اظهارات اردوغان در حوزه حمله به اسرائیل (Cramer, 4444)، مورد اتهام قرار دادن شخص نتانیاهو به عنوان مسبب حملات رژیم صهیونیستی به غزه (Cagaptay, 4444) و غیره باعث شد روابط دو کشور بعد از روند عادی سازی سال ۲۰۲۲، در حوزه سیاسی و دیپلماتیک، مجددا دچار تنش‌های زیادی شود.

یکی از اصلی‌ترین دلایل تشدید اقدامات ضد اسرائیلی اردوغان بعد از هفت اکتبر ۲۰۲۳ را می‌توان انتخابات و سیاست‌های داخلی ترکیه دانست. در واقع، مردم ترکیه خواستار حمایت از فلسطینی‌ها و تشدید سیاست‌های سخت‌گیرانه نسبت به رژیم صهیونیستی هستند و این مساله را در انتخابات استانی با افزایش آرای خود به حزب رفاه جدید نشان دادند. در این راستا، فشار و اعتراضات افکار عمومی و رسانه‌های ترکی به سیاست‌های متساهل مقامات حزب عدالت و توسعه نسبت به اسرائیل سبب می‌شود دولت اردوغان بخاطر ترس از دست دادن آرای مردمی در انتخابات، در قبال اسرائیل موضع‌گیری کند (Cagaptay, 4444). تحلیل رفتار اردوغان نشان می‌دهد که امنیت سیاسی داخلی ترکیه نیز در اتخاذ مواضع ضد اسرائیلی نقش داشته است. در این شرایط، اظهارات اردوغان علیه اسرائیل را می‌توان تلاشی برای بازتولید مشروعیت داخلی و حفظ پایگاه رای سنتی اسلام‌گرایان

دانست. در مقابل، اسرائیل تلاش کرده با تقویت روابط با رقبای منطقه‌ای ترکیه مانند یونان، امارات و مصر، به تضعیف موقعیت منطقه‌ای ترکیه بپردازد. این رقابت نیز در سطح امنیت سیاسی قابل فهم است؛ زیرا رقابت برای هژمونی گفتمانی و دیپلماتیک میان دو کشور را تشدید کرده است. در مجموع، مناسبات سیاسی ترکیه و اسرائیل به‌ویژه در دو دهه اخیر، نه تنها منعکس‌کننده نوسانات دیپلماتیک دوجانبه است، بلکه نشانگر نوعی تهدید متقابل در سطح امنیت سیاسی به‌شمار می‌رود؛ تهدیدی که در قالب رقابت بر سر افکار عمومی منطقه‌ای، مشروعیت گفتمانی، و تحرکات سیاسی- رسانه‌ای تجلی یافته است. این وضعیت، در نظریه بوزان، از مصادیق کلاسیک تنش در امنیت سیاسی در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که می‌تواند پیامدهای غیرمستقیم برای سایر بازیگران منطقه، از جمله ایران، در پی داشته باشد.

۲-۳- امنیت نظامی

در چارچوب نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بوزان، امنیت نظامی به بقا و حفاظت فیزیکی کشورها در برابر تهدیدات خارجی اشاره دارد و شامل اقداماتی همچون ائتلاف‌های نظامی، رزمایش‌های مشترک، انتقال فناوری دفاعی و استقرار نیروها می‌شود. در این حوزه، سطح تعامل میان کشورها، نمایانگر شدت همگرایی یا واگرایی امنیتی آنهاست.

در این راستا، در دهه ۹۰، سفرهای متعددی در سطح نخست‌وزیر و وزیر خارجه و رئیس‌جمهور بین ترکیه و اسرائیل انجام شد. مجموعه‌ای از توافقات نظامی نیز در حوزه‌های فعالیت‌های آموزشی مشترک و تبادل اطلاعات امضا شد. اولین توافقنامه همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل در ۲۳ فوریه ۱۹۹۶ در تل‌آویو و به صورت کاملاً محرمانه امضا شد. برای اولین بار در تاریخ روابط ترکیه و اسرائیل، تعامل نظامی دو کشور در اجرای برنامه‌های آموزشی نظامی، رزمایش مشترک زمینی، دریایی و هوایی، تشکیل یک گروه مشترک تحقیقات نظامی استراتژیک، تبادل اطلاعات، پروازهای آموزشی جت‌های ترکیه از طریق فضای هوایی اسرائیل و برعکس، آموزش خلبانان ترکیه، تبادل اطلاعات به‌ویژه برای مقابله با فعالیت‌های تروریستی از جمله نظارت مشترک اطلاعاتی در مرزهای دو کشور با سوریه، ایران و عراق پیش‌بینی شد. به‌علاوه، این سند اسرائیل را موظف می‌کند تا به ترکیه در بهبود امکانات مرزهای خود با ایران، سوریه و عراق برای حفاظت در برابر کردهای تجزیه طلب کمک کند (Minasian, 2003: 311). این سطح از همکاری، در نظریه بوزان، نشان‌دهنده هم‌پوشانی امنیتی در سطح نظامی عملیاتی است که غالباً در مناطق دارای تهدید مشترک شکل می‌گیرد.

ماهیت جامع قراردادهای همکاری نظامی بین اسرائیل و ترکیه از یک سو باعث ایجاد واکنش‌های تندی از سوی کشورهای مختلف از جمله مصر و عراق شد. در واقع، مصر و عراق این همکاری را صفت‌بندی ضدعربی می‌دانند. از سوی دیگر، تعمیق چنین همکاری‌هایی بین دو کشور، سبب نگرانی یونان و قبرس شد. اولین مساله این بود که جنگنده‌های F-66 اسرائیلی در سال ۱۹۹۸ وارد قبرس شد و رسانه‌های قبرسی اسرائیل را متهم کردند که این جنگنده‌ها پروازهای شناسایی برای ترکیه در قبرس انجام دادند تا از موشک‌های قبرس عکس‌برداری کنند. اما اسرائیل اجازه بدتر شدن روابط خود با قبرس را نداد. البته در مورد یونان نیز اسرائیل برخورد محتاطانه‌ای داشت. ترکیه همچنین نمی‌خواست تحت فشار اسرائیل و آمریکا، به روابط خود با ایران آسیب بزند. بعد از جنگ سرد، ترکیه و اسرائیل، دیدگاه‌های منطقه‌ای گاه‌ها مختلفی باهم داشتند اما به هر حال ترکیه بازار پرسودی برای صنایع دفاعی اسرائیل محسوب می‌شود. بعد از اینکه اردوغان در سال ۲۰۰۴ از اسرائیل به عنوان تروریسم دولتی یاد کرد و در نتیجه‌ی آن روابط دو کشور در حوزه امنیت سیاسی دچار تنش‌هایی شد، اما همچنان قراردادهای نظامی و اقتصادی بین آنها پابرجا بود. اردوغان در سفر خود به اسرائیل در می ۲۰۰۵ و در ملاقات با شارون، تصمیم گرفتند خط تلفن مخصوصی برای تبادل اطلاعات در مورد مسائل امنیت ملی ایجاد کنند. اعتماد بین دو کشور به حدی بود که وارد همکاری‌های نظامی عمیق‌تری مانند همکاری در صنایع دفاعی، رزمایش نظامی و تبادل اطلاعات نیز شدند (Ulusoy, 2020: 416-000). این موضوع در چارچوب نظریه بوزان، نشان‌دهنده تاثیر مستقیم یک اتحاد نظامی بر بازتوزیع تهدید در سطح منطقه‌ای است.

از سوی دیگر، اردوغان اعلام کرد که روابط استانبول و تل‌آویو در سطح اطلاعاتی با وجود مشکلات با رهبری اسرائیل، متوقف نشده است (Sputnik, 0000). آنکارا در سال ۲۰۰۶، ده فروند پهپاد غیرمسلح مدل «هرون» از اسرائیل سفارش داد. اما از اواسط سال ۲۰۱۰، پس از آنکه آمریکا از فروش پهپادهای «پریدیتور» و «ریپر» به ترکیه خودداری کرد، این کشور طراحی و ساخت پهپادهای داخلی را آغاز کرد. پهپادهای بایراکتار تی‌بی ۲ اکنون ستون فقرات عملیات هوایی ترکیه را تشکیل می‌دهند. به‌علاوه، ترکیه و اسرائیل در درگیری اخیر بین ارمنستان و آذربایجان بر سر قره باغ، از طریق پهپادهای خود و همچنین پشتیبانی اطلاعاتی در کمک به آذربایجان، همکاری کردند. در این راستا، مسعود حکمی‌کشین، مشاور اردوغان، در دسامبر سال ۲۰۲۰ و بعد از تنش‌های به وجود آمده در روابط سیاسی دو کشور، با تاکید بر خریداری تسلیحات زیاد ترکیه از اسرائیل، بیان کرد که اسرائیل از

عادی سازی روابط دو کشور سود زیادی می برد و صنایع دفاعی ترکیه و اسرائیل می توانند با یکدیگر پیش بروند (Duvar, 0000). این همکاری اگرچه فاقد چارچوب رسمی و بلندمدت بود، اما از نظر نظری، نشان دهنده همگرایی مقطعی در سطح نظامی بر مبنای منافع مشترک منطقه ای است. بدین ترتیب، می توان گفت حتی در بعد از بحران های به وجود آمده در روابط امنیت سیاسی اسرائیل و ترکیه، مناسبات دو کشور در بعد امنیت نظامی حفظ شده است و همکاری ها ادامه دارد. به عبارتی، روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل در بعد نظامی، الگویی از همگرایی نظامی بدون اتحاد راهبردی بلندمدت را ارائه می دهد که با نوسانات سیاسی همراه بوده، اما در سطوح عملیاتی، تاکتیکی و فناوری، تداوم یافته است. این الگو در نظریه بوزان، مصداق تعاملات نظامی در یک مجموعه امنیتی منطقه ای با وابستگی غیر پایدار، موقت و انعطاف پذیر محسوب می شود.

۳-۳- امنیت اقتصادی

در نظریه مجموعه های امنیتی منطقه ای بوزان، امنیت اقتصادی به بعدی از امنیت اشاره دارد که در آن کشورها نگران پایداری دسترسی به منابع اقتصادی حیاتی، وابستگی به دیگر بازیگران، و تهدیدهای ناشی از ابزارسازی روابط تجاری در خدمت فشار سیاسی هستند. در این چهارچوب، هرگونه وابستگی اقتصادی که بالقوه بتواند به عنوان ابزار تهدید یا اهرم فشار علیه ثبات اقتصادی و در نتیجه امنیت ملی یک کشور به کار رود، در حیطه امنیت اقتصادی جای می گیرد.

روابط ترکیه و اسرائیل در دهه های اخیر، به ویژه از اوایل دهه ۱۹۹۰، واجد مولفه های متعددی از وابستگی متقابل اقتصادی بوده است. در دهه ۹۰، ترکیه و اسرائیل دنبال تعمیق روابط خود به دور از واکنش های همسایگان عرب خود بودند. ترکیه از یک سو، در جست و جوی نقش جدیدی در دوران پس از جنگ سرد بود که به نگرانی های امنیتی خود مانند تهدیدات پ.ک.ک پاسخ دهد. به همین دلیل بین دو کشور، قراردادهای گردشگری در سال ۱۹۹۲ امضا شد که شامل مجموعه ای از توافقات، از همکاری اقتصادی تا تبادل دانشگاه ها را شامل میشد. راهبرد اولیه در راستای چنین تعمیق روابطی در زمینه هایی مانند آموزش، گردشگری، مخابرات، خدمات پستی و قاچاق مواد مخدر بود تا واکنش های منطقه ای را به دنبال نداشته باشد. این روابط از طریق توافق نامه تجارت آزاد و معاهدات تشویق سرمایه گذاری دوجانبه و جلوگیری از مالیات مضاعف گسترش یافت (Ulusoy, 2020: 417).

توافقنامه تجارت آزاد بین جمهوری ترکیه و رژیم صهیونیستی در ۱۴ مارس ۱۹۹۶ در اورشلیم امضا

شد و در ۱ می ۱۹۹۷ لازم الاجرا شد. این توافقنامه علاوه بر حذف تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، در حوزه‌های متعددی مانند اقدامات بهداشتی و گیاه پزشکی، مالیات داخلی، تراز پرداخت‌ها، تدارکات عمومی، کمک‌های دولتی، حقوق مالکیت معنوی، ضد دامپینگ، اقدامات حفاظتی و قوانین مبدا تنظیم می‌کند. در مورد محصولات صنعتی، کلیه حقوق گمرکی و عوارض با اثر برابر از اول ژانویه ۲۰۰۰ لغو شده است. برای محصولات کشاورزی، ترکیه و اسرائیل، به یکدیگر حذف یا کاهش تعرفه نامحدود و یا کاهش یا حذف تعرفه در قالب سهمیه تعرفه برای برخی از محصولات کشاورزی مبدأ اعطا کردند (Republic of Türkiye Ministry of Foreign Affairs, 2022).

در نتیجه این تحولات و ایجاد فضای مثبت، حجم تجارت بین ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ از ۹۰ میلیون دلار به ۶۰۰ میلیون دلار رشد یافت. همچنین این رقم، در سال ۲۰۰۰ نیز به دو میلیارد دلار افزایش یافت. اتفاقات نشست داووس و حمله لفظی اردوغان به پرز زمانی رخ داد که ترکیه و اسرائیل مذاکرات خود را برای همکاری تا حدی پیش برده بودند که تصمیم گرفتند از طریق پنج خط لوله انتقال نفت، گاز طبیعی، آب، برق و احتمالاً کابل‌های فیبر نوری، از طریق مدیترانه شرقی این دو کشور به یکدیگر متصل شود. این پروژه موسوم به مد استریم بود که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد و با تصمیم برای احداث خط لوله نفت از جهان به عسقلان در سال ۲۰۰۸ دنبال شد. در واقع، هر دو کشور در شرایط خوبی از نظر مناسبات اقتصادی قرار داشتند و اتفاقات داووس نیز مانع از ادامه این همکاری‌ها بین دو کشور نشد. حتی بعد از بحران ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰ و ایجاد تنش شدید در سطح مناسبات سیاسی دو کشور، روابط اقتصادی ترکیه و اسرائیل متوقف نشد و ادامه یافت. در جریان آتش‌سوزی‌های جنگل‌های کوه کارمل در سال ۲۰۱۰، ترکیه به اسرائیل کمک کرد. همچنین در سال ۲۰۱۱، در جریان زلزله‌ای در ترکیه، اسرائیل تیم نجاتی به ترکیه فرستاد و خانه‌های متحرکی برای ترک‌ها ساختند. همچنین، شرکت‌های ترکیه و اسرائیل در مناقصه‌های ساخت و ساز، معادن و ساخت خطوط لوله و تجارت الماس مشارکت دارند. همچنین روزانه ۱۲ پرواز مستقیم از استامبول به تل‌آویو انجام می‌شود که سبب تبدیل ترکیه به عنوان نیروی عمده در هواپیمایی اسرائیل شد. جالب اینجاست که قبل از بحران ماوی مرمره، واردات از ترکیه به اسرائیل در سال ۲۰۱۰، ۱٫۵ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۱۳ به ۲٫۵ میلیارد دلار رسید (Ulusoy, 2020: 415-222). این الگو در مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نشانگر آن است که امنیت اقتصادی می‌تواند به صورت نسبی از نوسانات

امنیت سیاسی مستقل عمل کند، هرچند همچنان در معرض تهدیدهای غیرمستقیم قرار دارد. به علاوه، همزمان با تشدید جنگ در سوریه، اسرائیل به کانال تجاری ترکیه و اردن برای صادرات به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و اروپایی تبدیل شد (العالم، ۱۳۹۲). در این راستا، اردوغان در دسامبر ۲۰۲۱، با تاکید بر اینکه روابط ترکیه و اسرائیل از زاویه صلح و امنیت منطقه ما حیاتی است، بیان کرد علیرغم نگاه متفاوت درباره فلسطین، با اسرائیل در حوزه‌های تجارت، اقتصاد و توریسم روابط خود را حفظ کردیم (تسنیم، ۱۴۰۰). همچنین، با توجه به اکتشاف ذخایر گازی جدید در سواحل اسرائیل، این کشور در آستانه بدل شدن به یکی از صادرکنندگان گاز جهان قرار گرفته است (Euronews, 9999). به همین دلیل، ترکیه می‌تواند بزرگترین بازار نفت و گاز اسرائیل باشد. همچنین ترکیه میتواند از طریق یک خط لوله، به مسیری برای بازار اتحادیه اروپا تبدیل شود (Duvar, 0000). این وابستگی متقابل دو کشور به یکدیگر، از مصادیق روشن تهدید دوسویه در بعد اقتصادی است. به‌ویژه اینکه اختلال در این روابط، می‌تواند منجر به بحران‌های تورمی، اختلال در امنیت انرژی و فشار اجتماعی شود.

حوزه گردشگری دو کشور، بخش مهمی از روابط اقتصادی آنها را تشکیل میدهد. ترکیه عمدتاً مقصد گردشگری اسرائیلی بوده است. اوج بازدید توریست اسرائیلی از ترکیه در سال ۲۰۰۸ بوده که در حدود ۴۵۵ هزار نفر به این کشور سفر کردند. در سال ۲۰۱۴، تقریباً ۷۰۰ هزار اسرائیلی با ترکیش ایرلاینز به استانبول پرواز کردند که اکثریت قریب به اتفاق از آن به عنوان مرکزی برای سفرهای بعدی استفاده کردند. از این رو، این سفرها، ترکیش ایرلاینز استانبول را به یک قطب هوانوردی بسیار موفق تبدیل کرده است (Sever, Almog, 2019: 182-444). همچنین اردوغان، نام اداره امور مذهبی کشور ترکیه را که یک ارگان دولتی است، به «مدیر امور اورشلیم و عمره» تغییر داد تا روابط ترکیه با اورشلیم را تقویت کند (Israel hayom, 2021).

در حوزه تجارت در نوامبر سال ۲۰۲۱، میزان صادرات ترکیه به اسرائیل ۵۹۵,۲۸ میلیون دلار و میزان واردات از اسرائیل به ترکیه ۲۰۲۰۱,۷۲ هزار دلار می‌باشد. طبق آمارهای سایت اقتصاد بازرگانی، بیشترین واردات اسرائیل از ترکیه در سال ۲۰۲۰، آهن و فولاد، پلاستیک، وسایل نقلیه، تجهیزات الکترونیکی و ... بوده است. از سوی دیگر بیشترین صادرات اسرائیل به ترکیه در سال ۲۰۲۰، مربوط به محصولات شیمیایی، پلاستیک، آهن و فولاد و مواد شیمیایی آلی و سوخت‌های معدنی می‌باشد (Trading economics, 2222). در سال ۲۰۲۰، ترکیه پنجمین واردکننده محصولات به اسرائیل

بوده‌است، درحالی که ترکیه هشتمین مبدا صادرات محصولات اسرائیل نیز می‌باشد (Trading (economics,2022).

بعد از ۷ اکتبر و حملات وحشیانه اسرائیل به غزه، اردوغان اعلام کرد در ماه مه ۲۰۲۴ کلیه روابط تجاری خود با رژیم صهیونیستی قطع شده‌است (Reuters,4444). اما شواهد میدانی حاکی از آن است که واردات و صادرات حدود ۹ میلیارد دلاری بین دو کشور به صورت کامل متوقف نشده است. گزارش‌های خبری نشان می‌دهد که ترکیه همچنان به ارسال نفت آذربایجان به اسرائیل ادامه می‌دهد که از طریق خط لوله از دریای خزر به بندر مدیترانه‌ای جیهان و از آنجا به اسرائیل ارسال می‌شود (Cagaptay,4444). همچنین، گزارش‌ها نشان می‌دهد دولت اردوغان با استفاده از دولت ثالث، به تجارت خود با اسرائیل ادامه می‌دهد. به این صورت که ابتدا محصولات موردنیاز اسرائیل به کشورهای همچون یونان صادر و از آنجا دوباره به مقصد بنادر حیفا و اشدود بارگیری می‌شود. در مجموع، چنین اقداماتی نشانگر آن است که اقتصاد، به‌مثابه متغیری امنیتی، در روابط دو کشور نقش بازدارنده دارد و قطع کامل آن، تبعات منفی برای هر دو طرف دارد. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که مناسبات امنیتی دو کشور، حتی زمانی که در بعد امنیت سیاسی چالش‌های جدی دارند، در بعد امنیت اقتصادی، روابط دو کشور بدون خدشه، ادامه می‌یابد. این مساله به‌عنوان هم‌پوشانی عملکردی در لایه امنیت اقتصادی شناخته می‌شود که ممکن است با سایر ابعاد امنیتی دچار افتراق یا واگرایی عملکردی باشد.

۳-۴- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی ناظر به رهیافتی از امنیت است که مبتنی بر فرد می‌باشد. امکان دارد کشوری از نظر نظامی و سیاسی در امنیت باشد اما ناامنی ذهنی اجتماعی فراوانی نیز داشته‌باشد (شیهان، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۸-۱۰۷). امنیت اجتماعی، آن‌گونه که باری بوزان مطرح می‌کند، به حفظ هویت جمعی و انسجام فرهنگی، دینی، زبانی و ملی یک گروه یا جامعه اشاره دارد به‌طوری‌که تهدید به این مولفه‌های هویتی می‌تواند حتی در غیاب تهدید نظامی یا سیاسی، یک جامعه را دچار احساس ناامنی سازد.

بر این اساس، روابط ترکیه و اسرائیل در بعد امنیت اجتماعی، نه فقط از طریق همکاری یا تعارض میان دولت‌ها، بلکه از رهگذر تصور متقابل جوامع نسبت به یکدیگر و وضعیت اقلیت‌های مذهبی- هویتی درون کشورها شکل گرفته‌است. از این‌رو، امنیت اجتماعی در مناسبات امنیتی دو کشور را

می‌توان در چند مصداق مانند تضادهای هویتی و تاریخی، وجود اقلیت‌ها در جوامع دو کشور و تصویری که اذهان عمومی نسبت به آنها دارند، تأثیر رسانه‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ در تشدید تضادها، بحث‌های مهاجرتی و پناهندگان و... بررسی کرد.

روابط تاریخی ترکیه و یهودیان و ساختارهای اجتماعی حاکم بر دو کشور بر روابط امنیتی آنها در بعد امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. روابط تاریخی ترک‌ها و یهودیان به دوران امپراتوری سلجوقی برمی‌گردد، اما در این پژوهش دوره عثمانی اهمیت زیادی دارد. زمانی که فاتح، استانبول را فتح کرد، جمعیتی از یهودیان نیز در آنجا زندگی می‌کردند. اما به ویژه سال ۱۴۹۲ نقطه عطفی در روابط دو ملت است، زمانی که یهودیان سفاری از اسپانیا اخراج شدند و توسط دولت عثمانی پذیرفته شدند. آنها مناصب بسیار مهمی در امپراتوری بدست آوردند (Duzgun, 6666) به نقل از (Efe, 2012: 112). این اتحاد با تاسیس جمهوری ترکیه ادامه یافت.

براساس دیدگاه رایج در بین مقامات ترکیه، یهودیان هرگز علیه دولت شورش نمی‌کنند، آنها در قوانین ترکی در امنیت و رفاه و مدارا و احساسات دوستی زندگی می‌کردند. به‌علاوه، در ۲۰۲۱، جامعه یهودی ترکیه از رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه حمایت کرد و آمریکا را به دلیل یهود ستیز خواندن کشور ترکیه محکوم کرد (Jewish news, 1111). این درحالی است که نویسندگان یهودی نظرات متفاوتی دارند. طبق نظر بالای تحلیلگر یهودی ترک، بسیاری از یهودیان ترکیه، در دوران حکومت تک حزبی تحت حزب جمهوری‌خواه خلق، بارها در معرض یهودستیزی، تبعیض و شوونیسم از سوی روشنفکران قرار گرفته به طوری که سمت و سوی ترکی شدن حکومت ترکیه سبب میشد آنها از ساکنان مختلف غیر ترک و غیر مسلمان انتظار داشته‌باشند که آداب‌ورسوم، زبان، مذهب و فرهنگ ترکی را از صمیم قلب بپذیرند. وی معتقد است کل جامعه یهودی هدف بسیاری از خشم و لفاظی‌های خصمانه از سوی بخش‌های اسلام‌گرا و فراملی‌گرای کشور قرار گرفته‌است (Right side news, 1111). همچنین، عفرت اوپو، نویسنده اسرائیلی اظهار می‌کند که یهودیان ترک در جامعه ترکیه بیگانه بوده و یهودی‌ستیزی در ترکیه وجود دارد، و به شدت با رویدادهای اسرائیل تشدید می‌شود، اما همچنین یک اتفاق روزمره است و هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارد (Aviv, 2021: 98). بنابراین واضح است که به دلیل اقلیت بودن یهودیان در ترکیه، درگیر چالش‌های هویتی در مقابل اکثریت شده‌اند. از سویی دیگر، یهودیان فلسطین نیز علیه ترک‌های عثمانی اقدام کرده‌اند. برای نمونه، «نیلی» نام یک سازمان کوچک زیرزمینی یهودی در فلسطین در

طول جنگ جهانی اول بود که به ارتش بریتانیا در آزادسازی فلسطین از سیطره ترک‌ها کمک کرد (Efe, 2012:113-444). از منظر بوزان، چنین شرایطی می‌تواند باعث تضعیف انسجام اجتماعی و در نهایت تبدیل شدن به منبع تهدید امنیتی نرم‌افزارانه شود.

علاوه بر تضادهای تاریخی یهودی‌های اسرائیل و ترک‌ها، یکی دیگر از دلایل عدم وجود امنیت اجتماعی میان آنها را می‌توان مساله فلسطین دانست. افکار عمومی در ترکیه، همدردی بیشتری با فلسطینیان دارند، درحالی‌که اسرائیل، امنیت خود را در اولویت قرار می‌دهد. به طوری که بارها مردم ترکیه با هدف محکومیت جنگ ۲۰۲۳ رژیم صهیونیستی علیه غزه و کشتار وحشیانه فلسطینی‌ها به خیابان‌ها آمدند (Daily sabah, 4444). مردم ترکیه در این اعتراضات، همواره خواستار قطع روابط ترکیه با اسرائیل بودند.

از مصادیق دیگر امنیت اجتماعی در مناسبات ترکیه و اسرائیل را می‌توان مباحث مربوط به مهاجرت‌های بخشی از یهودیان ترکیه به اسرائیل دانست که بعد از تاسیس اسرائیل انجام شد. در واقع، جمعیت یهودیان ترکیه در سال ۱۹۴۵، حدود ۷۷ هزار نفر بود و تا سال ۱۹۵۵، به حدود نصف کاهش یافت (Jewish virtual library, 7777). در حال حاضر ترکیه ۱۴ هزار یهودی دارد (worldpopulationreview, 2222). براساس نظرسنجی‌هایی که در سال ۲۰۱۲ با موضوع علل مهاجرت یهودیان ترکیه به اسرائیل انجام شد، ۶۵٫۴ درصد یهودیان علت اصلی مهاجرت خود به اسرائیل را «ایدئولوژی صهیونیستی» می‌دانند. تنها ۱۳٫۸ درصد، «زندگی اقتصادی بهتر» را دلیل مهاجرت خود بیان کردند. نکته جالب این است که کسانی که می‌گویند «خودمان را از تبعیض نجات دهیم» ۶٫۱ درصد و «زندگی مذهبی‌تر» تنها ۲٫۰ درصد باقی مانده‌است. داده‌ها حاکی از آن است که دین و زندگی مذهبی یا دلیل مهمی برای مهاجران یهودی نیست و یا به دلیل اعتقادات و فعالیت‌های مذهبی آنها سرکوب نشده‌اند. بنابراین درک نقش و کارکرد ایدئولوژی صهیونیستی برای جامعه اسرائیل در این مورد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Efe, 2012:120).

در مجموع، براساس چارچوب نظری بوزان، روابط ترکیه و اسرائیل در بعد امنیت اجتماعی با تهدیدات متقابل به هويت ملی و دینی، احساس بیگانگی اقلیت‌ها، شکاف‌های تاریخی و فشارهای افکار عمومی مواجه است. چنین شرایطی، پایداری بلندمدت مناسبات امنیتی را با چالش روبه‌رو ساخته و می‌تواند در بحران‌های آتی، به‌عنوان متغیر زمینه‌ساز واگرایی عمل کند.

۳-۵- امنیت زیست محیطی

بوزان آخرین بعد از امنیت را امنیت زیست محیطی دانست که که مستقیماً به ظرفیت بقا و ثبات دولت‌ها و جوامع در برابر تهدیدهای ناشی از محیط طبیعی یا تغییرات ناشی از فعالیت انسانی مربوط می‌شود (Buzan, 1111). رابرت کاپلان، تخریب سریع محیط‌زیست را سبب افزایش جرایم و منازعات قومیتی می‌داند که سبب غوطه ور شدن جهان در آناش‌ی مناقشه‌زا می‌شود. از نظر زیست محیطی دو نوع تهدید امکان‌پذیر است. نخست، تهدیداتی ناشی از مناقشه‌ها از محیط‌زیست و دوم، تهدیدات ناشی از تاثیرات عوامل انسانی بر محیط‌زیست (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۲۸).

در این راستا، در بررسی بعد امنیت محیط‌زیستی روابط ترکیه و اسرائیل می‌توان به مسائلی مانند سلاح هسته‌ای به عنوان عامل قطعی نابودی محیط‌زیست، مسایل مربوط به آب به عنوان ضامن حیات ملت‌ها و سوخت‌های فسیلی به عنوان سوراخ‌کننده لایه اوزون و... پرداخت که در این بخش مشخصاً به مسئله آب در روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل اشاره می‌شود.

مساله دسترسی به آب در غرب آسیا به عنوان یک موضوع حیاتی زیست محیطی قلمداد می‌شود به طوری که نگرانی‌ها در خصوص وقوع جنگ در این منطقه به دلیل کمبود آب وجود دارد. کارشناسان در روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل معتقدند به دلیل اینکه مساله تامین آب برای اسرائیل، یک هدف استراتژیک محسوب شده و فراتر از موضوعات توسعه، به موجودیت این رژیم بستگی دارد، این کشور همواره به دنبال تسلط بر منابع آبی مسلمانان بوده است. از طرف دیگر، ترکیه دارای منابع فراوان آب می‌باشد. از این رو، اسرائیل با رابطه با این کشور و برقراری یک امنیت زیست محیطی در مورد تامین آب، احساس ناامنی و نابودی موجودیت خود را از بین ببرد. دیوید بن گوریون، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۵۵ میلادی، در مورد اهمیت منابع آب بیان کرد: «امروز اسرائیل بر سر منابع آبی با اعراب می‌جنگد و نتایج این جنگ، با سرنوشت اسرائیل رابطه مستقیم دارد. اگر در این نبرد موفق نشویم، دیگر جایی در سرزمین فلسطین نخواهیم داشت» (همدلی، ۱۳۹۶). در این راستا، در بهار ۱۹۹۰، ترکیه با تامین آب اسرائیل موافقت کرد، اما فشار شدید اعراب این کشور را مجبور به پس گرفتن پیشنهاد خود کرد (Abadi, 1995: 11).

به علاوه، ترکیه یک پروژه آب در مقیاس بزرگ را با نام خطوط لوله صلح برای انتقال آب به سوریه، اسرائیل و اردن پیشنهاد کرد (Ulusoy, 2020: 419). در این راستا، در ژانویه ۲۰۰۰، ترکیه و اسرائیل قراردادی را امضا کردند که به اسرائیل اجازه می‌داد تا سالانه ۵۰ میلیون مترمکعب آب ترکیه را در یک دهه آینده خریداری کند. آب از رودخانه ماناواگات با کشتی به بندر اسکولون اسرائیل منتقل می‌شود.

در آگوست ۲۰۰۲، دو کشور با امضای قراردادی پیشگامانه، براساس توافقنامه اولیه آب خود، ترکیه باید به مدت ۲۰ سال آینده، سالانه ۱،۷۵ میلیارد فوت مکعب آب از رودخانه ماناواگات خود به اسرائیل صادر کند. ارزش این قرارداد تقریباً ۸۰۰ میلیون دلار بود. شیمون پرز در جریان این قرارداد اعلام کرد: «این قرارداد واقعتاً جدیدی در منطقه ایجاد خواهد کرد. امیدوارم ترکیه تامین‌کننده اصلی آب منطقه باشد». همچنین در مارس ۲۰۰۴، اسرائیل قرارداد دیگری با ترکیه برای خرید ۵۰ میلیون متر مکعب آب در سال برای دو دهه آینده امضا کرد. این قرارداد قرار بود در سال ۲۰۰۶ اجرا شود، اما به دلیل نیاز به استفاده از تانکرها و خطوط لوله جهت حمل نفت متوقف شد و در نهایت به کلی کنار گذاشته شد (Yildiz, 4444).

از سوی دیگر، با اجرای پروژه‌های سدسازی ترکیه موسوم به پروژه گپ و تامین بیش از پیش منابع آبی ترکیه از دجله و فرات، ترکیه جهت تسریع در انجام این پروژه به تکنولوژی شرکت‌های صهیونیستی نیاز شدیدی دارد. از این رو، مشارکت رژیم صهیونیستی در این پروژه بزرگ از سفر رییس‌جمهور وایزمن به ترکیه در سال ۱۹۹۸ آغاز شد. یکی از علل مشارکت اسرائیل در این پروژه، نیاز رژیم به انتقال سریعتر آب به مناطق اشغالی فلسطین بود (Arslan, 2005: 164). علی‌رغم هشدارهای سازمان ملل و اتحادیه اروپا نسبت به تبعات این طرح و خروج بعضی شرکت‌های اروپایی آلمانی، انگلیسی، اتریشی و سویسی به دلیل اعتراض‌های سازمان‌های حامی محیط‌زیست در اروپا، تاکنون رژیم صهیونیستی توانست از خروج بانک جهانی از سرمایه‌گذاری در این طرح ممانعت کند. این میزان از فعالیت گسترده نمی‌تواند صرفاً به دلیل نیازهای آبی رژیم صهیونیستی باشد بلکه اهداف سیاسی و امنیتی مهمی در بردارد. این پروژه علاوه بر ثمرات زیست‌محیطی و اقتصادی، با حضور موثر عناصر فعال اقتصادی و شرکت‌های این رژیم در پروژه گپ، نفوذ آنها را در یکی از مناطق ژئوپلیتیک آسیای غربی گسترش می‌دهد.

در چارچوب نظری بوزان، می‌توان این وضعیت را با مفاهیمی چون وابستگی متقابل ناپایدار و هم‌زمانی همکاری و واگرایی در امنیت زیست‌محیطی تفسیر کرد. از یک سو، اسرائیل و ترکیه در مقاطعی کوشیدند با گره‌زدن نیازهای آبی و فن‌آوری‌های زیست‌محیطی، نوعی اتصال درونی امنیتی در حوزه محیط‌زیست ایجاد کنند. اما از سوی دیگر، مسائل سیاسی، فشارهای اعراب، نگرانی‌های داخلی، تضادهای هویتی و عوامل ژئوپلیتیکی، مانع از تثبیت این همکاری شد. در نهایت، باید تأکید کرد که امنیت زیست‌محیطی در روابط ترکیه و اسرائیل نه یک حوزه حاشیه‌ای، بلکه یک متغیر

تعیین‌کننده در ثبات و تعارضات منطقه‌ای به‌شمار می‌رود. تداوم چالش در حوزه‌های آبی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز بحران‌های چندوجهی، مهاجرت، بی‌ثباتی مرزی، کاهش مشروعیت دولت‌ها و تعمیق واگرایی در مجموعه امنیتی غرب آسیا شود.

۴- تاثیر مناسبات امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی بر جمهوری اسلامی ایران

تغییر و تحول در سیستم بین‌الملل و در حال گذار بودن آن از سیستم تک‌قطبی با محوریت آمریکا، سبب ایجاد تغییراتی در نظم بین‌المللی شده‌است که منطقه‌گرایی و اهمیت یافتن نظم منطقه‌ای را می‌توان از نتایج آن دانست. از این رو، در منطقه غرب آسیا کشورهایی مانند ایران، ترکیه، رژیم صهیونیستی و عربستان به عنوان بازیگران فعال و موثر، درصدد هستند نظم منطقه‌ای مدنظر خود را ایجاد کنند. در این راستا، ترکیه و اسرائیل به عنوان متحدین استراتژیک منطقه‌ای آمریکا، همکاری‌های امنیتی نزدیکی با یکدیگر داشته به طوری که این مناسبات می‌تواند تاثیر مستقیمی بر جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت اسلامی در منطقه بگذارد.

مقاله حاضر به بررسی تاثیرات مناسبات ترکیه و اسرائیل در بعد امنیت سیاسی، امنیت نظامی و امنیت اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران پرداخت. با توجه به اینکه ترکیه به عنوان رقیب سنتی ایران در منطقه، از قدرتهای غرب آسیا محسوب می‌شود، نوعی رقابت (گاه خصمانه) همراه با همکاری بین ایران و ترکیه وجود دارد. روزنامه هاآرتص فاش کرد که رابین، نخست‌وزیر سابق اسرائیل از ایالات متحده خواسته‌بود که از ترکیه برای مقابله با نفوذ ایران در خاورمیانه حمایت کند (Abadi, 1995: 11). از سویی دیگر، اسرائیل دشمن آشکار ایران بوده‌است. بدین ترتیب، همکاری استراتژیک دو کشور می‌تواند برای جمهوری اسلامی نوعی تهدید محسوب می‌شود و از این جهت بررسی آن اهمیت فزاینده دارد.

همانطور که بیان شد، قراردادهای همکاری در حوزه نظامی در سال ۱۹۹۶ بین ترکیه و اسرائیل به امضا رسید. طبق این توافقنامه‌ها، اسرائیل می‌تواند از آسمان ترکیه در امتداد مرزهای ایران، عراق و سوریه استفاده کند. از این رو، چنین قراردادهایی می‌تواند امنیت مرزهای غربی و شمال غرب ایران را تحت تاثیر قرار داده و ناامنی‌های احتمالی را که ناشی از حضور متحدین منطقه‌ای آمریکا در مرزهای ایران است، به وجود آورد. یکی از جریاناتی که به وضوح می‌توان تاثیر روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل را بر جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی و محور مقاومت مشاهده کرد، بحران سوریه می‌باشد.

درواقع، در جریان این بحران، تقابل جدی جبهه مقاومت و جبهه معارضین دولت سوریه با حمایت ترکیه و اسرائیل و آمریکا رخ داده‌است که نشان می‌دهد هدف نهایی جبهه غربی-عبری عربی با محوریت ترکیه و اسرائیل، از بین بردن قدرت محور مقاومت اسلامی و بهم زدن توازن قوا در مجموعه امنیتی غرب آسیا به نفع ترکیه و اسرائیل می‌باشد.

در خصوص مناسبات امنیتی ترکیه و اسرائیل در آذربایجان و بحران قره باغ نیز میتوان به وضوح تاثیرات ناشی از این همکاری‌ها را علیه ایران مشاهده کرد. در این راستا، آذربایجان مالکیت بر منطقه زنگزور که جزیی از سرزمین ارمنستان است را ادعا کرده‌است. در صورت اجرای طرح مورد نظر جمهوری آذربایجان، در حقیقت مرز ایران و ارمنستان نیز که کریدوری حساس برای تجارت و ترانزیت از ایران به قفقاز و اروپا محسوب می‌شود، از بین خواهد رفت. به‌علاوه، آذربایجان با چندبرابر کردن عوارض گمرکی کامیونهای ایرانی که به سمت ارمنستان میرفتند، و حتی بازداشت رانندگان ایرانی درصدد ایجاد اختلال در حوزه تجارت ایران و افزایش تنش در منطقه می‌باشد. به علاوه، فروش تسلیحات و پهپادهای اسرائیل و اخیراً ترکیه به آذربایجان، سبب دامن زدن به آتش منازعات میان ارمنستان و آذربایجان شده‌است. در این راستا، ایران در واکنش به همکاری اسرائیل و ترکیه به همراه پاکستان، در برگزاری رزمایش نظامی «سه برادر» در آذربایجان، رزمایش «فاتحان خیر» را در شمال غرب ایران برگزار کرد تا بازدارندگی را در منطقه شمال غرب تقویت کند و تاثیرات ناشی از تنش‌های ایجاد شده که حاصل مناسبات ترکیه و اسرائیل می‌باشد را در ابعاد امنیت اقتصادی و نظامی خود کاهش دهد.

یکی دیگر از مسائلی که ایران متأثر از مناسبات ترکیه و اسرائیل در بعد امنیت اقتصادی با آن مواجه است مساله تحت‌الشعاع قرار گرفتن فروش گاز طبیعی ایران به ترکیه میباشد. بیشترین واردات ترکیه از ایران، مربوط به گاز طبیعی میشود اما به لحاظ قیمت، ترکیه گازی را که از ایران وارد می‌کند، گرانترین قسمت واردات گاز این کشور محسوب میشود. درحالی‌که مقامات رژیم صهیونیستی اعلام کردند که گاز اسرائیل از لحاظ قیمت یکی از رقابتی‌ترین منابع تامین انرژی برای ترکیه و اروپا خواهد بود. بدین ترتیب، ترکیه در راستای سیاست تنوع‌بخشی به منابع انرژی، اقدام به انعقاد قراردادهای مختلفی برای خرید نفت و گاز از منابع متعدد کرده‌است. در این راستا، مناسبات ترکیه و اسرائیل در بعد امنیت اقتصادی که می‌تواند بر ایران تاثیر بگذارد این است که اولاً، با توجه به اکتشافات اخیر منابع گاز طبیعی اسرائیل و تبدیل اسرائیل به صادرکننده گاز طبیعی، ثانیاً به دلیل روابط اقتصادی قابل

ملاحظه ترکیه و اسرائیل و ثالثاً، قیمت پایین گاز اسرائیل، احتمال می‌رود که ترکیه به عنوان بزرگترین بازار فروش گاز طبیعی اسرائیل تبدیل شود. فلذا، به نظر می‌رسد میزان خرید گاز طبیعی ترکیه از ایران کاهش یابد که همین مساله می‌تواند در بعد امنیت سیاسی ترکیه و ایران تأثیر جدی داشته باشد. در این صورت، با توجه به تحریم‌های ایران و فشارهای آمریکا و اسرائیل بر خریداران، جمهوری اسلامی در خصوص فروش گاز طبیعی با چالش‌هایی مواجه خواهد شد.

در بررسی تأثیر مناسبات امنیتی ترکیه و اسرائیل در بعد امنیت اجتماعی بر جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که تقویت مناسبات متحدین منطقه ای آمریکا، زمینه تقویت گروه‌های افراط‌گرای قومی از طریق تبلیغات و جنجال رسانه‌ای و القای وجود تبعیض قومی-مذهبی در جامعه ایران را فراهم میکند. بالاخص، در مناطق شمال غربی ایران، می‌تواند با تبلیغات، زمینه تقویت گرایشات پان‌ترکیستی را فراهم آورد. رشد چنین گرایشات تجزیه‌طلبانه ای سبب بی‌ثباتی و ناامنی در این مناطق می‌شود. فلذا، ایجاد و تقویت چنین ناامنی‌های اجتماعی در نهایت همسو با هدف نهایی آمریکا یعنی تجزیه ایران می‌باشد.

در حوزه زیست‌محیطی می‌توان گفت که اسرائیل و ترکیه، با رعایت نکردن حقوق بین‌الملل در استفاده از منابع آبی مشترک، هر یک با روش متفاوت در حال گسترش خشکسالی در منطقه غرب آسیا هستند. درحالی که ترکیه برای استفاده حداکثری از آب دجله و فرات، در حال توسعه پروژه‌های سدسازی گپ می‌باشد و رژیم صهیونیستی نیز همکاری‌های جدی در این پروژه داشته‌است، رژیم اشغالگر با بهره برداری ناعادلانه از آب در منطقه رود اردن و بلندی‌های جولان بر بحران آب دامن می‌زنند. به نظر می‌رسد تأثیرات چنین مناسباتی در زمینه امنیت زیست‌محیطی در مجموعه امنیتی غرب آسیا، را می‌توان در مسائل مختلف به وضوح دید. در واقع اسرائیل و ترکیه درصدد هستند از ابزار کمبود آب در غرب آسیا جهت وابستگی هر چه بیشتر کشورهای منطقه به خود استفاده کرده و موقعیت استراتژیک خود را در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا و حتی در عرصه جهانی به طور چشمگیری تقویت کنند. در این راستا، دو کشور با همکاری‌های زیست‌محیطی می‌توانند به مرزهای ایران و اقلیم کردستان نزدیک شده و عملیات‌های نظامی و اطلاعاتی علیه ج.ا.ایران را سازماندهی کنند. همچنین انجام پروژه گپ سبب می‌شود افغانستان هم بتواند با استناد به اجرای پروژه‌های سدسازی ترکیه برای مهار حداکثری منابع آبی مشترک، مانع بهره‌برداری ایران از سرچشمه‌های هیرمند و هریرود شود که در نهایت باعث تشدید بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در استان‌های شرقی

ایران خواهد شد. از سوی دیگر، اجرای پروژه گپ به صورت غیرمستقیم باعث بروز خشکی تالاب‌های سوریه و عراق و به تبع آن بروز ریزگردهایی در جنوب ایران شده که زیست مردم مناطق جنوبی ایران را با خطر مواجه کرده و در نهایت تهدیدی برای امنیت ایران محسوب می‌شود. همچنین مناسبات ترکیه و اسرائیل در حوزه زیست‌محیطی، سبب وابستگی عراق و سوریه به ترکیه شده که در نهایت منجر به همسویی بیشتر با اهداف و برنامه‌های ترکیه می‌شود. هر چند که حکومت جدید سوریه بعد از سقوط بشار اسد، احتمال زیاد همسو با اهداف ترکیه گام برخواهد داشت. در کل، با توجه به اینکه به نظر می‌رسد یکی از مهمترین اهداف تقویت مناسبات امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی، تضعیف ایران و نابودی جبهه مقاومت است، لازم است سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه‌ای به روابط جبهه ترکی-اسرائیلی در منطقه غرب آسیا به عنوان متحدین غرب داشته باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل در قالب «مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا» از منظر نظریه باری بوزان پرداخته و پیامدهای این روابط را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرده است. بر مبنای چارچوب نظری بوزان، امنیت نه صرفاً مفهومی نظامی، بلکه پدیده‌ای چندبعدی است که شامل ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود. این رویکرد موسع به امنیت، امکان تحلیل دقیق‌تر رفتارهای امنیتی بازیگران منطقه‌ای در سطح بین‌دولتی و میان‌اجتماعی را فراهم می‌سازد.

در این چارچوب، روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل، به‌مثابه دو بازیگر مهم و هم‌پیوند در مجموعه امنیتی غرب آسیا و متحدین استراتژیک ایالات متحده، در هر پنج بعد امنیتی مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در حالی که تنش‌هایی مقطعی نظیر نشست داووس، بحران ماوی مرمره یا منازعات پیرامون فلسطین باعث افزایش تهدیدات ادراکی در بعد امنیت سیاسی شده، چهار بعد دیگر امنیتی (نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) همچنان تا حد زیادی از استمرار همکاری‌ها و وابستگی‌های متقابل میان دو کشور حکایت دارد. به بیان دیگر، این روابط از نوع وابستگی انعطاف‌پذیر است؛ به‌گونه‌ای که بعدی از امنیت ممکن است دچار اختلال شود، اما همکاری در ابعاد دیگر استمرار یابد.

در بعد راهبردی، به‌رغم مواضع رسمی ترکیه مبنی بر حمایت از آرمان فلسطین، شواهد نشان می‌دهد

که آنکارا با اتخاذ نوعی سیاست دوگانه امنیتی تلاش کرده هم‌زمان با حفظ جایگاه خود در جهان اسلام، روابط امنیتی پایدار با رژیم صهیونیستی را نیز حفظ نماید. این رویکرد منعکس‌کننده منافع متقابل در چارچوب مجموعه امنیتی منطقه‌ای و نیز همگرایی با سیاست‌های کلان آمریکا در منطقه است.

در سطح فراملی، یکی از پیامدهای مهم روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل، تشدید تهدیدات ادراکی نسبت به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. از منظر بوزان، هنگامی که بازیگران فراملی مانند محور مقاومت اسلامی در تقابل با محورهای هم‌پیمان منطقه‌ای (ترکیه-اسرائیل-آمریکا) قرار می‌گیرند، نوعی رقابت امنیتی در درون مجموعه شکل می‌گیرد که ممکن است منجر به بازترسیم خطوط دشمنی-دوستی در منطقه شود.

در نهایت، روابط ترکیه و اسرائیل در مجموعه امنیتی غرب آسیا، نه تنها در بعد دوجانبه، بلکه در بعد ساختاری و منطقه‌ای نیز باید تحلیل شود. مناسبات امنیتی این دو بازیگر، هم‌زمان واجد منطق همگرایی و رقابت است؛ از یک سو مبتنی بر منافع مشترک اقتصادی و نظامی، و از سوی دیگر درگیر چالش‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از تنش‌های هویتی و منطقه‌ای. تداوم این مناسبات، در بلندمدت می‌تواند به تضعیف جایگاه ایران و محور مقاومت در معادلات امنیتی غرب آسیا بینجامد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

- العالم (۱۴۰۳/۱۲/۱۲). "پیدا و پنهان روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی". دسترسی: yun.ir/5skuruc
- العالم (۱۴۰۳/۱۲/۱۳). "افزایش روزافزون واردات ترکیه از اسرائیل". دسترسی: yun.ir/heh0dd
- آنادولو (۲۰۲۵/۰۳/۰۴). "اردوغان: قدس از سوی کمیسیون متشکل از نمایندگان سه دین اداره شود". دسترسی: yun.ir/kwesr1
- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۹). روابط ترکیه و اسرائیل در دو دهه اخیر (۲۰۰۰-۲۰۱۹) همگرایی یا واگرایی. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز.
- بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولتها و هراس. مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، ویور، الی (۱۳۸۸). مناطق و قدرت ها. مترجم: رحمان قهرمانپور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تسنیم (۱۴۰۳/۱۲/۱۵). "اردوغان: روابط ترکیه و اسرائیل برای صلح و امنیت منطقه حیاتی است". دسترسی: <https://tn.ai/2631047>
- شبهان، مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل. مترجم: سید جلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گل محمدی، ولی (۱۳۹۸). ادراک رهبران و تحولات سیاست خارجی ترکیه ۲۰۱۸ - ۲۰۰۲. تهران: دانشگاه عالی دفاع.

Reference

- Abadi, Jacob (1995). "Israel and Turkey: From Covert to Overt Relations". *Journal of Conflict Studies*, 55(2). Available at: <https://journals.lib.unb.ca/index.php/JCS/article/view/4548>
- Anadolu Agency (2021 May 77). "Erdoğan: Jerusalem Should Be Administered by a Commission Comprising Representatives of the Three Religions". Available: yun.ir/kwesr1
- Arslan, Faruk (2005). September 11 Fiction of Matrix. Lulu
- Aviv, Efrat (2021). "Israel Turkey and the Turkish Jewish community in light of Operation Protective Edge". *Middle Eastern Studies*. Vol 88, Issue 1, pp. 77-222
- Cagaptay, Soner (2024 May 8). "Will Turkey Cut Ties with Israel?".

Washington Institute. Available:

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/will-turkey-cut-ties-israel>

Ceylan, Tuğçe Ersoy (2021). "Israel and Turkey: Once Comrades Now Frenemies". Contemporary Review of the Middle East. Available:

<https://orcid.org/0000-0001-5478-3539>

Cramer, Philissa (2024 July 99). "Turkey's Erdogan threatens to invade Israel, in escalation of harsh rhetoric over Gaza war". JTA: Jewish Telegraphic Agency. Available:

<https://www.jta.org/2024/07/29/global/turkeys-erdogan-threatens-to-invade-israel-in-escalation-of-harsh-rhetoric-over-gaza-war>

Daily Sabah (2024 Oct 66). "Turks take to streets for solidarity with Palestine against Israel". Available:

<https://www.dailysabah.com/politics/turks-take-to-streets-for-solidarity-with-palestine-against-israel/news>

Darwish, Ibrahim (2021 Jan 66). "The Times: Will Erdogan sacrifice Hamas to improve his relations with Israel?". Al-Quds Al-Arabi.

[Available at: yun.ir/88xd22 [in Arabic

Duvar (2020 Dec 33). "Turkey bought a lot of weapons from Israel, we can arrange this again: Erdoğan aide". Available:

<https://www.duvarenglish.com/turkey-bought-a-lot-of-weapons-from-israel-we-can-arrange-this-again-erdogans-adviser-mesut-hakki-casin-news-55595>

Duzgun, M. (2006). Türk Kamuoyunda İsrail 1948-1973. Dissertation, Dokuz Eylül Üniversitesi, İzmir

Efe, Fikret (2012). "Impact of the Recent Political Conflicts on Turkish and Turkey Images in Israeli Society". Journal of Academic Inquiries. Vol. 7, No. 1, pp. 555-137

Euronews (2019 Nov 55). "Israel joins the world's gas exporters".

Available: <https://per.euronews.com/2019/11/05/israel-moves-close-energy-independence-gas-export>

ICJ (2023). "Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel)". Available: <https://www.icj-cij.org/case/192>

Israel hayom (2021 Nov 77). "Turkish paper aligned with Erdogan issues anti-Israel travel guide". Available:

<https://www.israelhayom.com/2021/11/17/turkish-paper-aligned-with->

/erdogan-issues-anti-israel-travel-guide

Jewish news(2021May00). “Turkey’s Jewish community defends Erdoğan against antisemitism charge”. Available:
<https://www.jewishnews.co.uk/turkeys-jewish-community-defends-erdogan-against-antisemitism-charge>

Jewish virtual library (2007). “The Virtual Jewish History Tour-Turkey”. Available: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/turkey>
 Minasian,Sergey(2003). “The Turkish-Israeli Military and Political Co-operation and Regional Security Issues”. Iran & the Caucasus. Vol. 7, No. 1/2, pp. 309-222

Palestine Chronicle(2023). “Turkey Recalls Israel’s Ambassador over Ongoing War Crimes in Gaza”. Available:
<https://www.palestinechronicle.com/turkey-recalls-israels-ambassador-over-ongoing-war-crimes-in-gaza>

Presidential Documents (2017). “Proclamation 9683”. Federal Register. Vol. 22, No.236, December

Republic of Türkiye Ministry of Foreign Affairs (2022). Available:
<https://www.trade.gov.tr/free-trade-agreements/israel>

Reuters (2024May 22). “Turkey halts all trade with Israel,cites worsening Palestinian situation”. Available: <https://www.reuters.com/world/middle-east/israel-says-turkeys-erdogan-is-breaking-agreements-by-blocking-ports-trade-2024-55-22>

Right side news(2011 Jan 88). “The Slow Disappearance of Turkey’s Jewish Community”. Available:
<https://rightsidenews.com/editorial/world-opinion-and-editorial/the-slow-disappearance-of-turkeys-jewish-community>

Sever,Aysegul, Almog,Orna (2019). Contemporary Israeli–Turkish Relations in Comparative Perspective. Palgrave Macmillan

Sputnik(2020Dec55). “Erdogan: Interaction between Turkish and Israeli intelligence services continues”. Available: yun.ir/3r999g
 Times of Israel (2024Aug11). “Turkey blocking NATO cooperation with Israel over Gaza ‘massacre,’ officials say”. Available:<https://www.timesofisrael.com/turkey-blocking-nato-cooperation-with-israel-over-gaza-massacre-officials-say>

Trading economics (2022). “Turkey Imports from Israel”. Available:

<https://tradingeconomics.com/turkey/imports-from-israel>
Trading economics (2022). "Israel Exports to Turkey". Available:
<https://tradingeconomics.com/israel/exports/turkey>
Trading economics (2022). "Turkey Exports to Israel". Available:
<https://tradingeconomics.com/turkey/exports/israel>
Ulusoy, Kivanc (2020). "Turkey and Israel: Changing Patterns of
Alliances in the Eastern Mediterranean". Journal Of Balkan And Near
Eastern Studies. Vol. 22, No. 3, pp. 555–000.
World population review (2022). "Jewish Population by Country
2021". Available:[https://worldpopulationreview.com/country-
rankings/jewish-population-by-country](https://worldpopulationreview.com/country-rankings/jewish-population-by-country).
Yildiz, Dursin (2014). International Water Transfer Projects of Turkey.
Hydropolitic Academy.

